

ذیل مجمع الأنساب شبانکاره‌ای

دکتر محسن جعفری مذهب*

مجمع‌الانساب / تألیف محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای؛ تصحیح میرهاشم محدث - تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳ - ۱۳۸۱ (۲ جلد، نیمه دوم، تجدید چاپ ۱۳۷۶).

چکیده

محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، تألیف مجمع‌الانساب را در سال ۷۳۳ هـ. ق آغاز کرد و در سال ۷۳۶ هـ. ق به پایان رسانید و آن را به سلطان ابوسعید ایلخانی فرستاد. با مرگ این سلطان و غارت ربع رشیدی، کتاب او از میان رفت، شبانکاره‌ای چند سال بعد، نسخه‌ای دیگر از کتاب خود را نوشت و در مقدمه‌ای نو بدون ذکر نام، به یادکرد محامد سلطان محمد ایلخانی (حک: ۷۳۶ هـ. ق) و وزیر او خواجه زکریا عبدالرحمن پرداخت.

مجمع‌الانساب دارای دو مقدمه است: در مقدمه نخست، مدح سلطان ابوسعید و غیاث‌الدین محمد رشیدی آمده است. در مقدمه دوم با عنوان خطبه کتاب، ستایش سلطان و وزیر او بدون ذکر نام آنها ثبت شده است.

چند دهه پس از مجمع‌الانساب، غیاث‌الدین بن علی نایب فریومدی، ذیلی بر آن نوشت و وقایع را از پایان سلطنت سلطان ابوسعید تا زمان خواجه علی مؤید سرداری و پیش از یورش تیمور گورکانی به خراسان پی گرفت. ظاهراً بخشهایی از ذیل فریومدی هنگام صحافی وارد متن مجمع‌الانساب شده و به همان صورت نیز تصحیح و در چاپ (تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳) آمده است.

* عضو هیئت علمی کتابخانه ملی تهران.

کلید واژه: مجمع الانساب، محمد بن علی بن محمد شبانکاره‌ای، سلطان ابوسعید، غیاث‌الدین محمد رشیدی، ذیل مجمع الانساب، غیاث‌الدین بن علی نایب فریومدی.

مجمع الانساب شبانکاره‌ای

محمد بن علی بن شیخ محمد بن حسین بن ابی‌بکر^۱ شبانکاره‌ای، شاید در سال ۶۹۳ ق در یکی از محال شبانکاره به دنیا آمد.^۲ در سال ۷۳۳ ق آغاز به نگارش مجمع الانساب گرفت و در ۷۳۶ هـ ق به پایان آورد و توسط خواجه محمد بن رشیدالدین فضل‌الله به نزد سلطان ابوسعید ایلخان فرستاد. مرگ سلطان ابوسعید و جانشینی آرپا کاوون و سپس قتل سلطان جدید و خواجه محمد رشیدی در سال ۷۳۶ هـ ق، نه تنها پاداشی نصیب او نساخت، بلکه غارت ربع رشیدی، کتاب او را نیز از بین برد و یافته نشد.

پس از آنکه سلطان محمد بعد از قتل آرپا کاوون به ایلخانی رسید و خواجه زکریا عبدالرحمن به وزارت او رسید و قدرت زمان در کف اقتدار امیر شیخ حسن بزرگ قرار گرفت، شبانکاره‌ای را امیدی دیگر در دل دمید و نسخه‌ای دیگر از کتاب بییراست و مقدمه‌ای نو بر آن نوشت و ذکر محامد سلطان جدید و وزیرش را نگاشت تا شاید به او تقدیم نماید.

به نظر نمی‌رسد نسخه جدید به سلطان جدید رسیده باشد، چه عمر دولت سلطان محمد نیز همچون دولت آرپا کاوون کوتاه بود و دولت او نیز به سر آمد. عمر دولت کوتاه موسی خان که رقیب آرپا کاوون نیز بود به شبانکاره‌ای آموخت که به این دولتها اعتماد نکند. شبانکاره‌ای نیز متوجه این دولت مستعجل بود و با آنکه به قدرت رسیدن سلطان محمد را با عنوان «جلوس مبارک پادشاه جهان مظفرالدین و الدین محمد خان خلدالله ملکه و سلطانه»^۳ آورده و برای او آرزوی «تا قیامت متمکن باد»^۴ داشت، اما در مقدمه دوم، با تمام حمد و ثنایی که برای سلطان و وزیرش نوشته، هیچ نامی از آنان نبرده و به راحتی می‌توانست به هر سلطان و وزیر بعدی اهدا نماید.

کتاب مجمع الانساب کنونی دو مقدمه دارد:

مقدمه اصلی (که اکنون در جای دوم نشسته) با عنوان «مفتتح کتاب» در مدح سلطان ابوسعید ایلخان و خواجه محمد رشیدی. در این مقدمه از سلطان به صورت:
قهرمان الماء والطين، ظلّ الله فی الارضین، المؤید بتأيید رب العالمین،

سلطان السلاطين، علاء الحق و الدنيا و الدين، ابوسعید بهادرخان بن السلطان
الماضی غیاث‌الدین اولجایتو سلطان محمد بن ارغون‌خان بن اباقاخان بن
هلاکوخان بن منگ‌رخان بن دوحه السلطنه پادشاه جهانگیر چنگیز خان - أعلى
الله شأنه و أوضح فی الخافقین برهانه^۵

و از وزیر با عنوان:

وزیری است صاحبقران «سلطان نشان» آسمان قدر، بوستان صدر، کیوان
بقا، مشتری لقا، مریخ صولت، خورشید دولت، ناهید بزم، عطارد حزم، قمر
عزم، آصف عنایت، صاحب کفایت، جعفر سخاوت، حاتم جود، خاتم وجود،
یعنی خداوند خدایگان وزرای جهان، کفیل مصالح اهل الارضین، مستجمع
کمالات الاولین و آخرین، مصلح امور المسلمین، مفلح مصالح المؤمنین، سید
صنادید فی العالمین، الغ بلکا نایب ایلخان روی زمین، غیاث‌الدین و الحق و
الدین، محمد بن صاحب‌المرحوم السعید رشید‌الدین - زین‌الله وجه الأرض
بأنوار عاطفته و عین‌الزمان منوراً بآثار معدلته و نعم أسلافه الماضیین
أجمعین^۶

مقدمه دوم (که اکنون در جای نخست نشسته) با عنوان «خطبه کتاب» در مدح
سلطان و وزیر بی نام است. در این مقدمه از سلطان به صورت:

نوید فتح و ظفر، و برید سرور و حبور رسید، و مزده جلوس مبارک خاقان
اعظم، شهنشاه ربع مسکون، جهاندار جهانبخش، پادشاه فرخنده بخت، زبنده
تخت، فرمانفرمای نصیحت‌پذیر، جهانگشای کشورگیر، جمشید آیت خورشید
رایت، خدایگان مشرق و مغرب، سایه یزدان، مایه امن و امان، خلاصه و نتیجه
اروغ چنگیز خان، سلطان سلاطین زمان و زمین، قاهر الفجره و المتسردین، ظل
الله فی الأرضین - خلدالله أيام دولته و زین وجه الزمان بأنوار معدلته - داد، ...

تهنیت جلوس مبارک پادشاه روی زمین

أعلى الله شأنه

جلوس خسرو روی زمین به طالع سعد

به تخت و مستند شاهنشهی همایون باد

.....

مهیمن! بسیط زمین از میامن فرّ عدل و، جمشید روزگار و

تَهْمَتَن رُوژگارَنَد، مَنوَر و مَزِيَن دَار.....^۷

و از وزیر با این عنوان یاد کرده:

و دست حوادث زمان و نوایب سپهر روان از مجلس همایون و ساحتِ
میمون وزیر بی نظیر او یعنی خداوند خواجه جهان، مخدوم جهانیان، خدایگان
وزراء عالم، کفیل مصالح بنی آدم، عمده ارکان السلطنه، شهاب سماء الوزراء،
وزیر خدایگان اعظم، دستور آصف رای عالم آرای، اعظم سلاطین الوزراء فی
العالمین، فرمانفرمای وزرای روی زمین، مربی السلاطین و کھف الخواقین،
ناصرح الملوک و ناظم امور المسلمین، مصلح مصالح المؤمنین، المنظور بنظر
لطف احسن الخالقین - خلدالله رفعتہ و جلالہ و مدّ علی كافة المسلمین ظلّله -
که دستوری است بس بی بدل و ناصحی است بی خلل..... از عهد ابوالبشر تا
یوم الحشر، هیچ وزیری بدین تمکین در چهار بالش فرماندهی ممکن نشد و تا
مصورّ قضا نقش موجودات بست، هیچ صاحب دیوانی بدین عظمت بر مسند
وزارت ننشست، و هیچ کارگزاری کافی تر از او پای بر صندلی وزارت نهاد.....
پروردگارا تا بزم السوعود، این منصب شریف و عمل منیف بر این آصف
یگانه و پناه خویش و بیگانه، پاینده و مستدام دار.^۸

به نظر این نگارنده شاید نام سلطان و وزیر را در نسخه اصلی سفید گذاشته تا به
سلطان و وزیر پایدار (و غیر مستعجل) تقدیم کرده و یا به دلایلی از آن پاک کرده و در
نسخه برداری های بعدی محلّ سفید مانده و یا پاک شده، نادیده شمرده شده و به
صورت کنونی درآمده است. بدیهی است با این همه القاب و صفات، هیچ خان و وزیری
در میزان ارادت نویسنده تردید نمی کرده است.

نویسنده علّت نگارش خطبه کتاب (دوّمین مقدمه) را اینگونه آورده که:

و ذکر حال خود در مفتتح کتاب کردن بدین سبب است تا اهل صورت حال،
معلوم رای انور مولوی شود و انشاءالله در متن مطالعه رود، مفهومتر باشد. توقّع
به لطف اخلاق و حسن اعطاف مختومانه این است که این کمینه را که خود از
بأس روزگار و جفای گردش پرگار سپهر غدار، ملول خاطر و پریشان ضمیر
است، تمهید معذرت ارزانی فرماید و این فرزند ضمیرش را که، مصرع:

اگرچه سرد و گران است، نازنین من است

در ظلّ مرحمت و ذیل تربیت خداوندی داشته و تفقّد دریغ نفرماید که
عندالله و عندالناس ضایع نماند. همیشه درگاه عالی، انجمن ملوک جهان و

افاضل روزگار باد. بحق حقه و صلى الله على خير خلقه.^۹
دو نیمه مجمع الانساب شبانکاره‌ای به همت آقای میرهاشم محدث و توسط
انتشارات امیرکبیر (نیمه دوم در سال ۱۳۶۳ و نیمه نخست در سال ۱۳۸۱) منتشر شده
است.

ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای

چند دهه پس از نگارش مجمع الانساب شبانکاره‌ای، خواجه نجم الدین خضرین
خواجه تاج الدین محمود غازی بیهقی، از غیاث الدین بن علی نایب فریومدی خواست
تا آن کتاب را که تا آخر سلطنت سلطان ابوسعید آمده و به پایان رسیده بود^{۱۰} تکمیل
نموده تا زمان خود را بنویسد. و او نیز تا زمان خواجه علی مؤید سربداری را در آن
آورده و پیش از یورش امیر تیمور گورکان به خراسان به پایان رسانده است.

ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای که ظاهراً نام مستقلاً نداشته، متنی بسیار مهم در
تاریخ ایران پس از سقوط ایلخانان و به ویژه درباره شرف ایران است که تواریخی چون
تاریخ شیخ اویس قطبی اهری از آن بی‌اطلاع بوده است. متن این کتاب مهم پیشتر در
ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای، توسط میرهاشم محدث به چاپ رسیده. اما به دلایلی
که پیشتر در جایی منتشر شده^{۱۱} به سبب صحافی بد، بیشتر متن آن در مجمع الانساب
شبانکاره‌ای گنجانده و پنهان مانده است و علت این چاپ نیز، بازسازی این متن بسیار
مهم است.

ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای دارای چهار بخش بوده که این نوشته قصد بازسازی
آن را دارد:

۱. مقدمه علی بن نایب فریومدی (صص ۳۳۹ تا ۳۴۱ چاپ میرهاشم محدث تحت
عنوان ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای).

۲. تاریخ مغولان از جلوس طغاتیمورخان تا حکومت سلطان امیر ولی هندو (صص
۳۰۶ تا ۳۳۵ چاپ میرهاشم محدث به عنوان آخرین بخش مجمع الانساب شبانکاره‌ای)

۳. ذکر جماعتی که به استقلال خود در ممالک ایران زمین سرکشی و تعدی نمودند
(صص ۳۴۱ تا ۳۴۹ چاپ میرهاشم محدث تحت عنوان ذیل مجمع الانساب
شبانکاره‌ای)

۴. بخش افتاده از آخر کتاب (داستان حکومت پهلوان حسن داغانی و خواجه
علی مؤید) که هنوز یافت نشده است و ممکن است در میانه متن دیگری یافته شود.
نویسنده هنگام التجای خواجه علی مؤید به امیر ولی در مازندران می‌نویسد:

خواجه علی مؤید - خلد زمانه و نصر أعوانه - به سبب تغلب روزگار و حلول حوادث ادوار و کافر نعمتی جمعی اراذل غدار که کیفیت آن به شرح ذکر خواهد رفت در شهور سنه ثمانین و سبع مائه عنان عزیمت به طرف مازندران معطوف گردانید^{۱۲}

اما ذکر آن واقعه در کتاب حاضر نیست.

در واقع مجمع الانساب شبانکاره‌ای با ذکر حکومت سلطان محمد در سال ۷۳۶ ه. ق. خاتمه می‌یابد و جمله دعائیه «خلد الله ملکه و سلطانه» نشان از زمان نگارش متن در زمان سلطان محمد ایلخان (حکومت در ذی حجه ۷۳۶ ه. ق) و پیش از قتل او در ۲۰ ذی حجه ۷۳۸ ه. ق است. از سوی دیگر، بخش بعد از پایان مجمع الانساب شبانکاره‌ای به «جلوس مبارک سلطان اعظم طغاتی‌مورخان - أنارالله برهانه و ثقل بالحسنات میزانه» اختصاص یافته که جمله دعائیه آن «أنارالله برهانه و ثقل بالحسنات میزانه» نشان از نوشته شدن پس از قتل طغاتی‌مورخان در سال ۷۵۴ ه. ق دارد. حتی در این بخش پیوسته به مجمع الانساب شبانکاره‌ای تاریخ «در شهور سنه ثلث و ثمانین و سبع مائه»^{۱۳} نیز آمده که از چشم مصحح پیشین مغفول مانده بود.

در واقع، ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای موجود شامل ۴۲ صفحه است که ۱۳ صفحه آن با عنوان ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای توسط میرهاشم محدث چاپ شده و ۲۹ صفحه دیگر آن در پایان مجمع الانساب شبانکاره‌ای اضافه شده است. یعنی متن چاپ شده، تنها ۱۳ صفحه از ۴۲ صفحه (۳۱٪) موجود ذیل مجمع الانساب شبانکاره‌ای است و ۶۹٪ باقیمانده در همان چاپ و در مجمع الانساب منتشر شده است.

پی‌نوشتها

۱. مجمع الانساب، نیمه اول به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱، ص ۱۴ (ازین پس مجمع الانساب (اول))
۲. سعید نفیسی سال ۶۹۷ ق را برای ولادت او برگزیده، که ظاهراً درست نیست. نویسنده در مقدمه کتاب، سال ۷۳۳ ق را آغاز تفکر در عمر عزیز از دست رفته خوانده که عمر او از ۴۰ گذشته بود «از ایام گذشته تاسف خورد...» مجمع الانساب (اول) (ص ۱۴)
- «اندیشه رفت که چون مدت عمر عزیز از دهه چهارم که مقطع قوت و نشاط و مبدأ رحمت و عذاب است رسید...» (همان ص ۱۵)

- «نشاط عمر باشد تا چهل سال
 ۲. مجمع الانساب، به تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۳، ص ۳۰۵ (ازین پس مجمع
 الانساب (دوم)
 ۴. همانجا
 ۵. مجمع الانساب (اول) صص ۲۶ و ۲۷.
 ۶. همانجا صص ۲۹ - ۳۰.
 ۷. مجمع الانساب (اول) صص ۱۷ - ۱۸.
 ۸. مجمع الانساب (اول) صص ۱۹ - ۲۰.
 ۹. مجمع الانساب (اول) ص ۲۰.
 ۱۰. درست آن بود که شرح سلطنت سلطان آرپا کاوون و موسی خان و اوایل سلطنت سلطان محمد نیز
 در آن آمده بود.
 ۱۱. ر.ک: به: محسن جعفری مذهب، «سهم صحاف در تصحیح متن»، نامه بهارستان، ش ۷ و ۸، بهار و
 زمستان ۱۳۸۲.
 ۱۲. مجمع الانساب (دوم) ص ۳۳۱.
 ۱۳. همان، (دوم) ص ۳۱۴.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی